

مبانی عقلی - کلامی خلود در عذاب: بررسی دیدگاه‌های ملاصدرا و علامه طباطبائی

محمد شعبان پور* | فردین دارابی**

چکیده

مسئله جاودانگی نفس انسانی و خلود کافران در عذاب از موضوعات مهم کلامی در اندیشه اسلامی است که به بررسی آن پرداخته شده است. این مقاله به تحلیل دیدگاه‌های ملاصدرا و علامه طباطبائی در این زمینه می‌پردازد و مبانی کلامی آنان را مورد بررسی قرار می‌دهد. ملاصدرا در ابتدا به تأثیرپذیری از ابن عربی، قائل به عدم خلود در عذاب بود و بر این باور بود که عذاب الهی به دلیل حکمت الهی نمی‌تواند ابدی باشد. او معتقد است که هر موجودی غایت ذاتی دارد و عذاب نمی‌تواند مانع رسیدن به کمال باشد. باین حال، ملاصدرا در مراحل بعدی نظر خود را تغییر داده و به جاودانگی عذاب اعتقاد پیدا کرد، به این دلیل که اعمال انسان به صورت ملکه درمی‌آید و در نتیجه، جاودانگی در عذاب ممکن می‌شود. از سوی دیگر، علامه طباطبائی بر این باور است که جزئیات معاد را نمی‌توان با مقدمات عقلی اثبات کرد و تنها راه شناخت آن، تکیه بر وحی است. او خلود در عذاب را بر اساس آیات و روایات اسلامی تأیید می‌کند و به عدم تعارض میان آیات و روایات در این زمینه اشاره می‌کند. علامه بر این باور است که عذاب جهنم به دلیل تغییر فطرت انسان و تبدیل گناهان به ملکه نفسی، دائمی خواهد بود. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که هر دو اندیشمند بر مبانی کلامی خاصی تأکید دارند که شامل پذیرش وجود نفس و جوهر مجرد آن است. همچنین، درحالی که ملاصدرا در تحلیل‌های اولیه خود به تأویل آیات پرداخته، علامه طباطبائی بر وحی و عدم تعارض آیات تأکید دارد. این پژوهش به بررسی این مبانی و تحلیل‌های کلامی می‌پردازد و به تفاوت‌های دیدگاه‌های این دو اندیشمند در مسئله خلود در عذاب می‌پردازد.

کلیدواژه‌ها: خلود در عذاب، ملاصدرا، علامه طباطبائی، جاودانگی نفس، مبانی کلامی.

* استادیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

(mohamadshabanpour@gmail.com)

** دانش‌آموخته دکتری علوم قرآن و حدیث دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه علامه طباطبائی، تهران،

ایران. (نویسنده مسئول) (Fardindarabi@gmail.com) | (تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۸/۲۱؛ تاریخ پذیرش ۱۴۰۳/۰۹/۲۸)

□ محمد شعبان پور، فردین دارابی (۱۴۰۳). مبانی عقلی - کلامی خلود در عذاب: بررسی دیدگاه‌های ملاصدرا و علامه طباطبائی،

فصلنامه حکمت / اسراء، ۳ (۴۶)، ۸۷ - ۱۱۱. | doi: 10.22034/isra.2025.492673.2040

مقدمه

مسئله جاودانگی نفس انسانی و ارتباط آن با خلود در عذاب یکی از موضوعات بنیادین در کلام اسلامی است که از دیرباز توجه اندیشمندان و متکلمان را به خود جلب کرده است. این مسئله به‌ویژه در زمینه تفکر اسلامی، به دلیل تأثیرات عمیق آن بر اعتقادات دینی و اخلاقی، اهمیت ویژه‌ای دارد. بر اساس آموزه‌های اسلامی، نفس انسانی جوهری بسیط و مجرد است (جرجانی، بی‌تا، ص ۱۰۷؛ حلی، ۱۴۱۶ ق، ص ۱۸۴) و با فناپذیری بدن، جاودانگی آن همچنان برقرار می‌ماند. این حقیقت، زمینه‌ساز بحث‌های کلامی در مورد خلود کافران در عذاب و امکان‌پذیری آن از منظر عقل و نقل می‌شود.

برخی آیات به‌صراحت خلود را بازگو کرده مانند: آیات (بقره، ۱۶۲؛ آل‌عمران، ۸۸؛ نساء، ۱۶۹؛ نحل، ۲۹؛ طه، ۱۰۱ و...) در تمام این آیات و در مجموع ۴۱ مورد در قرآن جمله: «خالدین فیها» دارد که ظهور در بقای دائم دارد و نه نص، اما در دو مورد قرآن (بقره، ۱۶۷؛ مائده، ۳۷) به مسئله خلود تصریح شده است و از طرفی برخی دیگر آیات، خلود (چه در بهشت و چه در جهنم) را تا مدت خاصی عنوان کرده مانند: «فَأَمَّا الَّذِينَ شَقُّوا فِي النَّارِ لَهُمْ فِيهَا زَفِيرٌ وَ شَهِيقٌ * خَالِدِينَ فِيهَا مَا دَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَ الْأَرْضُ إِلَّا مَا شَاءَ رَبُّكَ فَعَالٌ لِّمَا يُرِيدُ * وَ أَمَّا الَّذِينَ سَعِدُوا فِي الْجَنَّةِ خَالِدِينَ فِيهَا مَا دَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَ الْأَرْضُ إِلَّا مَا شَاءَ رَبُّكَ عَطَاءٌ غَيْرَ مَجْدُودٍ» (هود، ۱۰۶-۱۰۸). روایات نیز هر دو نظریه را تأیید می‌کند، مثلاً روایتی که از امام باقر (ع) در کتب روایی نقل شده است که «إِنَّ آخِرَ مَنْ يَخْرُجُ مِنَ النَّارِ لَرَجُلٍ يُقَالُ لَهُ هَمَامٌ يُنَادِي فِيهَا عُمْرًا يَا حَنَّانُ يَا مَنَّانُ» آخرین نفری که از دوزخ خارج می‌شود، مردی است که هَمَام نام دارد و در جهنم عمر طولانی صرف کرد که فقط یا حَنَّان یا مَنَّان می‌گفت.

اختلاف نظرها به‌ویژه در دو محور اصلی متمرکز است: نخست، آیا عذاب الهی برای

کافران و گناهکاران می‌تواند ابدی باشد؟ و دوم، چه مبانی فلسفی و کلامی می‌توانند این ادعا را تأیید یا رد کنند؟ برخی از اندیشمندان بر این باورند که جاودانگی در عذاب به دلیل ویژگی‌های خاص نفس و ارتباط آن با اراده الهی امکان‌پذیر است، درحالی‌که دیگران بر این اعتقادند که عذاب نمی‌تواند ابدی باشد و درنهایت، نفس به کمال خود خواهد رسید (ملاصدرا، ۱۹۸۱ م، ج. ۹، ص. ۳۴۶-۳۴۷). این مسئله به‌ویژه در اندیشه‌های ملاصدرا و علامه طباطبائی به‌وضوح قابل مشاهده است.

در این راستا، ملاصدرا و علامه طباطبائی به‌عنوان دو اندیشمند برجسته در تاریخ تفکر اسلامی، نظرات متفاوتی در این زمینه دارند. ملاصدرا در ابتدا به تأثیرپذیری از ابن عربی، قائل به عدم خلود در عذاب بود و بر این باور بود که عذاب الهی به دلیل حکمت الهی نمی‌تواند ابدی باشد. او معتقد است که هر موجودی غایت ذاتی دارد و عذاب نمی‌تواند مانع رسیدن به کمال باشد. باین‌حال، ملاصدرا در مراحل بعدی نظر خود را تغییر داده و به جاودانگی عذاب اعتقاد پیدا کرد، به این دلیل که اعمال انسان به‌صورت ملکه درمی‌آید و درنتیجه، جاودانگی در عذاب ممکن می‌شود.

از سوی دیگر، علامه طباطبائی بر این باور است که جزئیات معاد را نمی‌توان با مقدمات عقلی اثبات کرد و تنها راه شناخت آن، تکیه بر وحی است. او خلود در عذاب را بر اساس آیات و روایات اسلامی تأیید می‌کند و به عدم تعارض میان آیات و روایات در این زمینه اشاره می‌کند. علامه بر این باور است که عذاب جهنم به دلیل تغییر فطرت انسان و تبدیل گناهان به ملکه نفسی، دائمی خواهد بود.

این مقاله با استفاده از روش تحلیل محتوا، به بررسی و تحلیل دیدگاه‌های دو اندیشمند بزرگ اسلامی، ملاصدرا و علامه طباطبائی، در مسئله خلود در عذاب خواهد

پرداخت. هدف این تحقیق، کشف مبانی کلامی آنان و چگونگی حل مسئله خلود در عذاب از منظر آنان است. این بررسی می‌تواند به روشن شدن زوایای مختلف این مسئله و تقویت فهم دینی در این زمینه کمک کند. درنهایت، این مقاله به دنبال پاسخ به این پرسش‌هاست: چه مبانی کلامی برای پذیرش یا رد خلود در عذاب وجود دارد؟ و چگونه این مبانی بر فهم و تفسیر متون دینی تأثیر می‌گذارد؟

بیان مسئله

مسئله خلود در عذاب، یکی از مباحث پیچیده و چالش‌برانگیز در کلام اسلامی است که به بررسی جاودانگی و ماندگاری عذاب برای کافران و گناهکاران در آخرت می‌پردازد. این مسئله به‌ویژه در ارتباط با باور به جاودانگی نفس انسانی که به‌عنوان جوهری بسیط و مجرد شناخته می‌شود (جرجانی، بی‌تا، ص. ۱۰۷؛ حلی، ۱۴۱۶ ق، ص. ۱۸۴)، اهمیت ویژه‌ای دارد. با توجه به این‌که اکثر حکمای اسلامی بر جاودان بودن نفس توافق دارند (ملاصدرا، ۱۹۸۱ م، ج. ۸، ص. ۳۸۰-۳۸۱)، این پرسش مطرح می‌شود که آیا عذاب الهی برای کافران نیز به همین اندازه جاودانه و ابدی خواهد بود یا خیر؟

در قرآن کریم، آیات متعددی به مسئله خلود در عذاب اشاره دارند. برخی آیات به‌صراحت بر جاودانگی عذاب تأکید می‌کنند (بقره، ۱۶۲؛ آل‌عمران، ۷۸؛ نساء، ۱۶۹)، درحالی‌که دیگر آیات به‌نوعی از خلود اشاره می‌کنند که ممکن است موقتی باشد (هود، ۱۰۶-۱۰۸). این تنوع در آیات و روایات، منجر به بروز اختلاف‌نظرهایی میان متکلمان و فیلسوفان اسلامی شده است. برخی از اندیشمندان بر این باورند که جاودانگی در عذاب به دلیل ویژگی‌های خاص نفس و ارتباط آن با اراده الهی امکان‌پذیر است، درحالی‌که دیگران بر این اعتقادند که عذاب نمی‌تواند ابدی باشد و درنهایت، نفس به کمال خود خواهد رسید

(ملاصدرا، ۱۹۸۱ م، ج. ۹، ص. ۳۴۶-۳۴۷).

در این راستا، ملاصدرا و علامه طباطبایی به عنوان دو اندیشمند برجسته در تاریخ تفکر اسلامی، نظرات متفاوتی در این زمینه دارند. ملاصدرا در ابتدا به تأثیرپذیری از ابن عربی، قائل به عدم خلود در عذاب بود، اما در مراحل بعدی نظر خود را تغییر داد و به جاودانگی عذاب اعتقاد پیدا کرد. از سوی دیگر، علامه طباطبایی بر تکیه بر وحی و عدم تعارض آیات در این زمینه تأکید دارد و بر این باور است که عذاب جهنم به دلیل تغییر فطرت انسان و تبدیل گناهان به ملکه نفسی، دائمی خواهد بود.

بنابراین، مسئله اصلی این مقاله بررسی و تحلیل دیدگاه‌های ملاصدرا و علامه طباطبایی در مورد خلود در عذاب و مبانی کلامی آنان است. این تحقیق به دنبال پاسخ به این پرسش‌هاست: چه مبانی کلامی برای پذیرش یا رد خلود در عذاب وجود دارد؟ و چگونه این مبانی بر فهم و تفسیر متون دینی تأثیر می‌گذارد؟ این بررسی می‌تواند به روشن شدن زوایای مختلف این مسئله و تقویت فهم دینی در این زمینه کمک کند.

پیشینه تحقیق

درباره دیدگاه ملاصدرا و علامه طباطبایی پژوهش‌های متعددی نگاشته شده است.

در ادامه برخی از مقالات مربوط به این موضوع بیان می‌شود:

۱) «بررسی دیدگاه ملاصدرا و علامه طباطبایی در مسئله خلود در عذاب» این مقاله توسط منیره سید مطهری و حمیده فردوس نوشته شده و در سال ۱۳۸۸ در نشریه فلسفه و کلام (حکمت و فلسفه) شماره ۲ چاپ شده است. در این مقاله ابتدا نظر ملاصدرا مورد بررسی قرار گرفته و دو نظر متناقض در مسئله خلود از ایشان نقل قول شد یکی در ابتدا به تأسی از ابن عربی بر عدم خلود را اصرار می‌کند ولی بعداً از رأی خود تجدیدنظر کرده و با براهین مختلف جاودانگی عذاب را اثبات می‌نماید، آنگاه نظر علامه طباطبایی

را نیز به پیروی از رأی دوم ملاصدرا، خلود در عذاب را پذیرفته و به طور خاص به همه اشکالات پاسخ گفته است.

۲) «دیدگاه ملاصدرا و علامه طباطبایی در مسئله خلود در عذاب» این مقاله توسط راضیه اسلامی زیر نظر دکتر حسینی شاهرودی نوشته شده و در سال ۱۳۹۱ در وبلاگ شخصی حسینی شاهرودی چاپ شده است. در این مقاله اصل دیدگاه و دلایل ملاصدرا و علامه طباطبایی درباره پذیرش و یا رد مسئله خلود در عذاب مورد بررسی قرار گرفته است.

دو مقاله مذکور و همچنین سایر مقالات یافته شده درباره این موضوع، با پژوهش حاضر، تفاوت ماهوی دارد زیرا مقالات مذکور بیشتر به این موضوع از جنبه قبول و یا نکول مسئله خلود در عذاب از منظر ملاصدرا و علامه طباطبایی و همچنین دلایل اثبات یا رد آن پرداخته است و تابه حال مبانی کلامی این مسئله از منظر این دو بزرگوار مورد بررسی قرار نگرفته است بنابراین، کاری که در این پژوهش انجام می شود در هیچ اثری انجام نشده است.

۱- مفهوم شناسی

برای بررسی مبانی کلامی خلود در عذاب از دیدگاه ملاصدرا و علامه طباطبایی، ابتدا لازم است سه مفهوم «مبانی»، «کلامی» و «خلود» که در عنوان مقاله ذکر شده است را بررسی نماییم تا عنوان مقاله روشن تر شود و در ادامه چالش کلامی مورد نظر را کمی توضیح کنیم.

الف) مبانی

مبانی به عنوان اصول بنیادین و زیربنایی در هر نظام فکری و نظریه ای نقش حیاتی دارند. در کلام اسلامی، این مبانی شامل اصول اعتقادی، فلسفی و اخلاقی است که به تبیین و

تحلیل مسائل دینی کمک می‌کند. به‌ویژه در بحث خلود در عذاب، مبانی کلامی شامل مفاهیمی چون توحید، عدل الهی، جاودانگی نفس و حکمت الهی می‌شود. توحید به‌عنوان اصل اول در کلام اسلامی، به معنای یگانگی و بی‌نظیری خداوند است و بر این اساس، تمام اعمال انسان تحت نظارت و اراده الهی قرار دارد. عدل الهی نیز به این معناست که خداوند هیچ‌گاه ظلم نمی‌کند و عذاب الهی نتیجه مستقیم اعمال خود انسان‌هاست.

در این راستا، جاودانگی نفس به‌عنوان جوهری بسیط و مجرد، به این مفهوم اشاره دارد که نفس انسانی پس از مرگ، ادامه حیات دارد و این حیات می‌تواند تحت تأثیر اعمال انسان در دنیا باشد (ملاصدرا، ۱۹۸۱ م، ج. ۹، ص. ۳۴۶-۳۴۷). حکمت الهی نیز به این نکته اشاره دارد که عذاب الهی باید با حکمت و هدف مشخصی همراه باشد و این خود می‌تواند دلیلی بر جاودانگی عذاب برای کافران باشد. به این ترتیب، مبانی کلامی به‌عنوان زیرساخت‌های نظری، نقش کلیدی در تبیین و فهم مسئله خلود در عذاب ایفا می‌کنند.

ب) کلام

کلامی به‌عنوان یک حوزه تخصصی در علم دین، به بررسی و تحلیل مسائل اعتقادی می‌پردازد و سعی در تبیین اصول دین از طریق استدلال‌های منطقی و فلسفی دارد. در بحث خلود در عذاب، کلامی به تحلیل آیات قرآن و روایات می‌پردازد و سعی می‌کند تا با استفاده از استدلال‌های عقلانی، دلایل و شواهدی برای جاودانگی عذاب ارائه دهد. متکلمان اسلامی، ازجمله ملاصدرا و علامه طباطبائی، به بررسی عمیق این مفهوم پرداخته و نظرات متفاوتی را در این زمینه ارائه کرده‌اند.

ملاصدرا، با تأکید بر نظریه وجود و ماهیت، بر این باور است که عذاب الهی نمی‌تواند

با جوهر مجرد نفس انسانی در تعارض باشد. او معتقد است که نفس به عنوان یک وجود مستقل، پس از مرگ به حیات خود ادامه می دهد و در نتیجه، عذاب الهی برای کافران می تواند به صورت دائمی ادامه یابد (ملاصدرا، ۱۹۸۱ م، ج. ۸، ص. ۳۸۰-۳۸۱). از سوی دیگر، علامه طباطبایی بر این باور است که تنها راه شناخت حقیقت معاد و عذاب، تکیه بر وحی و آیات قرآن است. او به وضوح بر این نکته تأکید می کند که عذاب جهنم به دلیل تغییر فطرت انسان و تبدیل گناهان به ملکه نفسی، دائمی خواهد بود (طباطبایی، ۱۳۷۴ ش، ج. ۱۴، ص. ۲۰-۲۱). به این ترتیب، کلامی به عنوان یک حوزه تحلیلی، به بررسی و تبیین ابعاد مختلف مسئله خلود در عذاب می پردازد و با استناد به متون دینی، به دفاع از اصول اعتقادی خود می پردازد.

ج) خلود

خلود به معنای جاودانگی و ماندگاری، یکی از مفاهیم کلیدی در کلام اسلامی است که به ویژه در زمینه عذاب الهی برای کافران و گناهکاران مورد بحث قرار می گیرد. این مفهوم به وضوح در آیات قرآن کریم بیان شده است، به طوری که آیات متعددی به جاودانگی عذاب اشاره دارند، مانند آیه ۱۶۲ سوره بقره که به صراحت بر ماندگاری عذاب تأکید می کند (بقره، ۱۶۲). در این راستا، خلود در عذاب به این معناست که عذاب الهی برای کسانی که در دنیا به کفر و گناه پرداخته اند، نه تنها در آخرت ادامه خواهد داشت، بلکه به صورت دائمی و ابدی خواهد بود.

تحلیل مفهوم خلود در عذاب نیازمند بررسی عمیق تر ابعاد فلسفی و کلامی آن است. برخی متکلمان بر این باورند که جاودانگی عذاب به دلیل ویژگی های خاص نفس و ارتباط آن با اراده الهی امکان پذیر است. ملاصدرا، با رویکرد فلسفی خود، به این نتیجه می رسد که وجود ابدی نفس، مستلزم وجود عذاب دائمی برای کافران است (ملاصدرا، ۱۹۸۱).

م، ج. ۹، ص. ۳۴۷-۳۴۶). در مقابل، علامه طباطبائی بر این نکته تأکید می‌کند که عذاب جهنم به دلیل تغییر فطرت انسان و تبدیل گناهان به ملکه نفسی، دائمی خواهد بود و این خود نشان‌دهنده حکمت الهی در نظام جزا و پاداش است (طباطبائی، ۱۳۷۴ ش، ج. ۱۴، ص. ۲۰-۲۱). بنابراین، مفهوم خلود در عذاب نه تنها به عنوان یک اصل کلامی در اسلام مطرح است، بلکه به مباحث فلسفی و اخلاقی عمیق‌تری نیز مرتبط می‌شود. این مفهوم، به بررسی دقیق‌تر مبانی کلامی و فلسفی نیاز دارد تا به درک عمیق‌تری از آثار و پیامدهای آن در اعتقادات دینی و اخلاقی مسلمانان دست یابیم.

د) چالش کلامی مسئله خلود در عذاب

مسئله خلود در عذاب یکی از مباحث کلامی پیچیده و چالش‌برانگیز در فلسفه اسلامی است که در آثار ملاصدرا و علامه طباطبائی به‌طور خاص مورد توجه قرار گرفته است. این دو فیلسوف بزرگ، با وجود اشتراکات نظری، در برخی از مبانی و نتایج به اختلاف نظر می‌رسند که این اختلافات چالش‌های کلامی قابل توجهی را به وجود می‌آورد. ملاصدرا در ابتدا به تأسیس بر نظریه ابن عربی، بر عدم جاودانگی عذاب تأکید می‌کند. او در این مرحله بر این باور است که هر موجودی به سمت کمال خود حرکت می‌کند و عذاب به عنوان یک مانع عارضی نمی‌تواند دائمی باشد. اما این دیدگاه پس از تأملات عمیق‌تر و با استناد به براهین فلسفی و دینی، تغییر می‌کند و او به نظریه جاودانگی عذاب روی می‌آورد. این تغییر نظر ملاصدرا، خود چالشی را در تبیین مبانی کلامی او ایجاد می‌کند، زیرا نشان می‌دهد که او در مواجهه با متون دینی و فلسفی چگونه به بازنگری در آرای خود پرداخته است.

از سوی دیگر، علامه طباطبائی با تأکید بر وحی به عنوان منبع اصلی شناخت جزئیات

معاد، به پذیرش جاودانگی عذاب می‌پردازد. او بر این باور است که عقل به تنهایی نمی‌تواند به جزئیات معاد دست یابد و بنابراین باید تابع نقل باشد. این رویکرد علامه، در تضاد با برخی از آرای ملاصدرا قرار دارد، به‌ویژه در زمینه تأویل آیات و روایات مربوط به خلود. در حالی که ملاصدرا در برخی از مراحل به تأویل آیات پرداخته است، علامه بر این عقیده است که آیات باید به صورت مستقیم و بدون تأویل درک شوند. چالش اصلی در اینجا ناشی از اختلاف در روش‌شناسی است: ملاصدرا به‌طور مکرر به فلسفه و استدلال‌های عقلی تکیه می‌کند، در حالی که علامه طباطبایی بر اهمیت وحی و متون دینی تأکید دارد. این تفاوت در رویکردها می‌تواند به تضاد در نتایج نهایی منجر شود، به‌ویژه در مورد تأثیرات گناهان بر نفس و چگونگی جاودانگی عذاب. در نهایت، این چالش‌ها نه تنها به فهم عمیق‌تری از مسئله خلود در عذاب کمک می‌کند، بلکه زمینه‌ساز بحث‌های جدیدی در فلسفه و کلام اسلامی می‌شود. بررسی این دو دیدگاه و چالش‌های موجود در آن‌ها، می‌تواند به غنای ادبیات کلامی و فلسفی اسلامی افزوده و زمینه‌ساز تفکر عمیق‌تر در مورد مسائلی مانند گناه، عذاب و فطرت انسانی گردد.

۲- تبیین مبانی کلامی ملاصدرا

ملاصدرا، یکی از بزرگ‌ترین فیلسوفان اسلامی و بنیان‌گذار حکمت متعالیه، در تحلیل مسائل کلامی و فلسفی به‌ویژه در مورد جاودانگی عذاب، رویکردی عمیق و نوآورانه دارد. او با تأکید بر مبانی فلسفی و حکمت الهی، تلاش می‌کند تا مفاهیم پیچیده‌ای مانند جاودانگی عذاب و ارتباط آن با فطرت انسانی را تبیین کند. ملاصدرا در آغاز تحت تأثیر ابن عربی، به عدم جاودانگی عذاب اعتقاد داشت، اما با بررسی عمیق‌تری از مبانی فلسفی

و دینی، به نظریه‌ای جدید در این زمینه دست یافت. او بر این باور است که هر موجودی غایت ذاتی دارد و به سمت کمال خود حرکت می‌کند و این حرکت تحت تأثیر موانع عارضی قرار می‌گیرد. از این رو، ملاصدرا به تحلیل دقیق‌تری از رابطه میان عذاب، فطرت انسانی و جاودانگی در عذاب می‌پردازد و تلاش می‌کند تا با استناد به آیات قرآن و اصول حکمت الهی، مبانی کلامی خود را به روشنی بیان کند. این مقدمه زمینه‌ساز درک بهتر نظریات او در این حوزه خواهد بود.

۱-۲. تأثیر ابن عربی بر دیدگاه ملاصدرا

ملاصدرا در ابتدا تحت تأثیر ابن عربی قائل به جاودانگی عذاب نبود. او این عقیده را با توجه به یک سلسله مبانی فلسفی مبتنی می‌داند و می‌گوید عذاب طبق حکمت الهی نباید ابدی و سرمدیت داشته باشد. از نظر او، هر موجودی از موجودات طبیعی غایتی دارد که باید به آن برسد و در غایتش، خیر و کمالش نهفته است. خداوند مخلوقات را بر طبیعتی آفریده که خیر و کمال خود را طالب است و این معنی در آیه «رَبَّنَا الَّذِي أَعْطَى كُلَّ شَيْءٍ خَلْقَهُ ثُمَّ هَدَى» (طه، ۵۰) هویدا است؛ بنابراین، هر موجودی شوق و عشق برای وجود و کمال وجود در خود را دارد که همان غایت ذاتی اوست.

۲-۲. اشتیاق به کمال و موانع آن

ملاصدرا بر این باور است که حرکت موجودات ادامه دارد تا به منتهای مقصد برسند، مگر اینکه مانعی سر راهشان قرار گیرد. او معتقد است که موانع دوام نداشته و گرنه نظام خلقت به وجود نمی‌آمد. لذا، همه اشیاء اشتیاق به لقاء واجب‌الوجود را به صورت ذاتی دارند. اگر نفرت و کراهتی نسبت به این دیدار پدید آید، به صورت عارضی و موقتی است؛ بنابراین، کسی که از دیدار پروردگار به صورت عرضی نفرت داشته باشد، خداوند

او را به سختی عذاب گرفتار کرده تا از بیماری عرضی خود درمان شده و به فطرت ذاتی خود بازگردد. در غیر این صورت، کسی به صورت ابدی در عذاب الهی نخواهد بود (ملاصدرا، ۱۹۸۱ م، ج. ۹، ص. ۳۴۷-۳۴۶).

۲-۳. عدم خلود در عذاب

ملاصدرا در کتاب الشواهد الربوبیه نیز به عدم خلود در عذاب اشاره کرده و دلیل این مسئله را چنین شرح می‌دهد: بر اساس پایه‌های اصول حکمت الهی، سختی، دوام ندارد و هر موجودی باید روزی به غایت خود برسد. از آنجایی که رحمت خداوند گسترده است، لذا عذاب دائمی نیست (همو، ۱۳۴۶، ص. ۳۱۴). او برای حل تعارض نظر خود با ظاهر آیات و روایات، می‌گوید: منظور از جاودانگی در آیات و روایات ماندن ابدی نیست، بلکه آن را به معنای مکث طویل و ماندن در عذاب به مدت طولانی معنا کنیم.

۲-۴. تجلی اسماء الهی و عذاب

ملاصدرا بحث تجلی اسماء الهی در عالم را پیش کشیده و می‌گوید همان‌طور که خداوند با نام رحمان و رحیم تجلی دارد، با اسمای دیگرش چون عزیز و قهار نیز تجلیاتی دارد؛ بنابراین، سعدا به فضل خدا و اشقیا به عدل الهی به ترتیب وارد بهشت و جهنم می‌شوند و عقوبت دوزخیان به تناسب مدت شرک آنان در دنیا خواهد بود. جالب اینجاست که ملاصدرا نکته‌ای مطرح کرده که جهنمیان پس از اتمام عقوبتشان در همان جایی که قرار دارند در نعمت خواهند بود زیرا طبع ذاتی آنان با دوزخ تناسب دارد و اگر وارد بهشت شوند، رنج خواهند کشید (ملاصدرا، ۱۳۴۶ ش، ص. ۳۱۴).

۲-۵. دو حالت جاودانگی در عذاب

ملاصدرا جاودانگی در عذاب را از دو حال خارج نمی‌داند: یا باید نفس انسانی با ارتکاب

پلیدی‌ها از فطرت اولیه خود خارج شده و به یک صورت جدید درآمده باشد، یا باید فطرت اولیه خود را حفظ کرده و حالاتی که بر اثر ارتکاب گناهان برای نفس اتفاق افتاده به صورت عارضی باشد. در هر دو حالت جاودانگی در عذاب معنا نخواهد داشت. در مورد اول، انسان به سوی کمال خود سیر می‌کند و در هر حالتی که دریابد، در همان حالت دارای کمال است. در مورد دوم، چون احوالی که در نفس پدیدار شده، عارضی است و امور عرضی زوال‌پذیرند، لذا تا زمانی که این امور عرضی وجود دارند، نفس رنج خواهد برد، اما پس از زوال آن، رنج بردن و جاودانگی در جهنم بی معنا خواهد بود (همو،

۱۹۸۱ م، ج. ۳، ص. ۸۸-۸۱).

۲-۶. تضاد میان عذاب و فطرت

ملاصدرا علت رنج دوزخیان در جهنم را تضادی می‌داند که میان جهنم و صفات پست با فطرت اولیه آدمی وجود دارد. او بر اساس قاعده «القسر لا یدوم» و اینکه ماندگاری میان دو چیز متضاد نه دائمی است و نه اکثری، معتقد است که دو حالت بیشتر برای رفع این تضاد وجود ندارد: یا اینکه این تضاد به از بین رفتن یکی از طرفین می‌انجامد و یا به رهایی منجر می‌شود. ملاصدرا بر این باور است که چون نفس جوهر اصیل انسانی است، لذا باقی مانده و آنچه از بین می‌رود، صفات پست انسانی است که با آتش دوزخ دردناک صورت می‌گیرد و پس از آن انسان وارد بهشت می‌شود.

۲-۷. تغییر فطرت و جاودانگی عذاب

ملاصدرا اعتقاد دارد که در صورتی صفات پست زائل می‌شوند که از جنس شرک نباشند و گرنه برای فرد طبیعت ثانویه‌ای ایجاد می‌شود که با آتش جهنم سازگار خواهد بود و در نتیجه، عذاب جهنم را حس نخواهد کرد، گرچه این نفس در جهنم بماند. او می‌گوید: «و

الالام دالّه علی وجود جوهر اصلی یضاد الهیئات الحیوانیه الرئیثه» (همو، ۱۹۸۱ م، ج. ۹، ص. ۳۵۱).

۸-۲. تغییر نظر ملاصدرا

در اسفار و شواهد الربوبیه، ملاصدرا سرمدیت عذاب را نپذیرفته، اما در کتاب عرشیه که تلخیص آرای او از مبدأ و معاد است، از این نظر برگشته و قائل به دوام و سرمدیت عذاب شده و می‌گوید: «أن دار الجحیم لیست بدار نعیم و إنما هی موضع الألم و المحن و فیها العذاب الدائم» (آشتیانی، ۱۳۸۷، ص. ۱۹۹۴). او علت جاودانگی در عذاب را تبدیل گناه به عادت و سپس در آمدن به صورت ملکه نفسانی می‌داند (همو، ۱۹۸۱ م، ج. ۹، ص. ۲۹۳).

۹-۲. جمع‌بندی مبانی کلامی ملاصدرا

بنابر آنچه گفته شد، می‌توان مبانی کلامی ملاصدرا را در مسئله جاودانگی در عذاب به صورت زیر خلاصه نمود:

هر موجودی غایت ذاتی داشته که به سمت آن به صورت ذاتی در حرکت است.
 هر موجودی به صورت ذاتی خواهان خیر و کمال خود است و لذا اشتیاق دارد برای رسیدن به واجب‌الوجود که کمال مطلق است.
 عدم طلب کمال که مانعی برای رسیدن او به کمال است به صورت عرضی می‌باشد.
 عذاب الهی در آخرت باعث از بین رفتن حالت عرضی انسان می‌شود و او بار دیگر طالب رسیدن به کمال خواهد بود.
 عذاب و پاداش انسان‌ها بر اساس طبع آنان صورت می‌گیرد؛ کسی که نفس سختی دارد، بهشت او دوزخ است و کسی که نفس خاشعی داشته باشد، تنعم او در بهشت خواهد بود.

از همه مبانی فوق نتیجه می‌شود که ملاصدرا عذاب الهی را دائمی نمی‌داند، اما بعد

از تغییر نظر خود، منشأ جاودانگی در عذاب را کفر دانسته چراکه اعمال انسان که به صورت ملکه نفسی خود درآمده در آخرت تجسم پیدا کرده و سعدا و اشقیا از هم متمایز می‌شوند (همو، ۱۳۶۱ ش، ج. ۴، ص. ۵).

تحلیل و بررسی

ملاصدرا، یکی از بزرگ‌ترین فیلسوفان اسلامی، در تحلیل مسئله جاودانگی عذاب به تأثیرات عمیق فلسفی و کلامی خود پرداخته است. او در ابتدا تحت تأثیر ابن عربی، به عدم جاودانگی عذاب اعتقاد داشت، اما با تأمل در مبانی فلسفی و حکمت الهی، به نظریه‌ای جدید دست یافت. ملاصدرا بر این باور است که هر موجودی غایت ذاتی دارد و به سمت کمال خود حرکت می‌کند. این حرکت به دلیل طبیعت ذاتی موجودات است و عذاب الهی نمی‌تواند ابدی باشد، زیرا در نهایت همه موجودات به کمال خواهند رسید. او با استناد به آیات قرآن، به وضوح نشان می‌دهد که موانع سر راه این حرکت، عارضی و موقتی هستند و به همین دلیل، جاودانگی در عذاب معنایی نخواهد داشت. ملاصدرا همچنین به تضاد میان عذاب و فطرت انسانی اشاره می‌کند و بر این اساس استدلال می‌کند که این تضاد نمی‌تواند دائمی باشد. او به دو حالت برای جاودانگی عذاب اشاره می‌کند: یکی اینکه نفس انسانی به صورت جدیدی درآید و دیگری اینکه نفس به حالت عارضی باقی بماند. این تحلیل نشان‌دهنده عمق تفکر ملاصدرا و تلاش او برای توجیه نظریه‌اش در مورد جاودانگی عذاب است. با این حال، نقدهایی نیز به نظریه او وارد است، به ویژه در مورد تأثیرات عاطفی عذاب بر نفس انسانی که نیازمند بررسی‌های بیشتر و تحلیل‌های عمیق‌تر است. در نهایت، دیدگاه ملاصدرا به عنوان یک نقطه عطف در کلام اسلامی، به درک بهتر مسئله خلود در عذاب کمک می‌کند و زمینه‌ساز بحث‌های فکری

و فلسفی جدیدی در این حوزه می‌شود.

۳- تبیین مبانی کلامی علامه طباطبایی

علامه طباطبایی، یکی از برجسته‌ترین متفکران و مفسران قرآن در تاریخ اسلام، در تحلیل مبانی کلامی خود به بررسی عمیق موضوعات معاد و جاودانگی عذاب می‌پردازد. او با تأکید بر وحی به عنوان منبع اصلی شناخت و فهم جزئیات معاد، بر این باور است که بسیاری از مسائل کلامی نمی‌توانند صرفاً با مقدمات عقلی تبیین شوند. علامه با استناد به آیات قرآن و روایات معتبر، به توضیح به جاودانگی عذاب اشاره کرده و آن را به دلایل عقلی و نقلی مستند می‌کند. وی معتقد است که فطرت انسانی به گونه‌ای طراحی شده است که به دنبال کمال و حقیقت است و این جستجو در نهایت به درک عذاب و پاداش در آخرت منجر می‌شود. در این مقدمه، به بررسی مبانی کلامی علامه طباطبایی و تحلیل دیدگاه‌های او در زمینه جاودانگی عذاب خواهیم پرداخت.

علامه طباطبایی بر این باور است که جزئیات معاد را نمی‌توان با مقدمات عقلی به طور کامل درک کرد و تنها راه تصدیق این امر را از طریق وحی نبوی می‌داند (طباطبایی، ۱۳۹۰ ق، ج. ۱، ص. ۴۰۸)؛ بنابراین، او برای فهم مسائل جزئیات معاد به متون اسلامی تکیه کرده و تعارضی میان آیات خلود و عدم آن را نمی‌پذیرد. علامه جاودانگی در عذاب را به دو دلیل عقلی و نقلی قبول می‌کند.

۱-۳. دلیل نقلی علامه طباطبایی بر خلود

به نظر علامه، ظواهر متون دینی به توضیح به جاودانگی عذاب تصریح کرده‌اند. خداوند در آیه‌ای می‌فرماید: «وَمَا هُمْ بِخَارِجِينَ مِنَ النَّارِ» (بقره، ۱۶۷). همچنین، در روایات نیز احادیثی به حد استفاضه در مورد جاودانگی در آتش وجود دارد. علامه تأکید می‌کند که

اگر حدیثی در مورد غیردائمی بودن عذاب جهنم به دست ما رسیده باشد، آن حدیث نمی‌تواند از اهل بیت علیهم‌السلام باشد و به دلیل مخالفت آن با صریح آیات قرآن قابل اعتنا نیست (همو، ص ۴۱۲).

علامه همچنین بر تغییر کامل نظام آفرینش در آخرت تأکید دارد و می‌گوید: «يَوْمَ تُبَدَّلُ الْأَرْضُ غَيْرَ الْأَرْضِ وَالسَّمَاوَاتُ» (ابراهیم، ۴۸). به این ترتیب، آفریده‌های جهان آخرت مانند مخلوقات عالم دنیا نیستند و حکم وجود آن‌ها بقا است نه فنا. افزون بر این، اجماع علمای اسلام و توافق آنان نیز بر پذیرش خلود در عذاب دلالت دارد (ر.ک: نصیرالدین طوسی، ۱۴۰۷ ق، ص. ۴۱۴).

۲-۳. دلیل عقلی علامه طباطبایی بر خلود

علامه طباطبایی بر این عقیده است که نمی‌توان همه احکام شرعی و ویژگی‌های معاد را با مقدمات عقلی به اثبات رساند، زیرا این احکام از دسترس عقل دور هستند. تنها راه اثبات آن‌ها اعتقاد به نبوت است و پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم اصل معاد و جزئیات احکام را از طریق وحی اثبات می‌کند. او به این نکته اشاره می‌کند که عذاب یا نعمت که عارض نفس می‌شود به دو صورت برای انسان رخ می‌دهد: یا بر اثر تجرد نفس و تخلّق آن به اخلاق و ملکات خوب و بد است، یا به دلیل احوال خوب و بدی است که به دست آورده است (طباطبایی، ۱۳۹۰ ق، ج. ۱، ص. ۴۱۲-۴۱۳).

۳-۳. تأثیر گناهان بر نفس

علامه توضیح می‌دهد که اگر صورت‌های شایسته و ناشایست در نفس ثابت نشده باشند، به‌زودی از بین می‌روند، زیرا از نظر عقل، صورت‌های ناسازگار دوام ندارند. اگر نفس انسان خوب باشد، صورت زشتی‌ها دیر یا زود از صفحه نفس پاک می‌شود و برعکس.

اگر صورت‌هایی که بر نفس عارض شده به صورت ملکه درآید، در این صورت، نفس صورت جدیدی به خود می‌گیرد و در نتیجه، اگر گفتار و کردار به صورت ملکه درآید، نفس در عذاب جاودان خواهد بود (همو؛ جوادی آملی، ۱۳۸۷، ش. ج. ۵، ص. ۴۸۶).

۳-۴. جمع‌بندی مبانی کلامی علامه طباطبایی

بنابر آنچه ذکر شد، می‌توان مبانی کلامی علامه طباطبایی را در مسئله خلود در عذاب به صورت زیر خلاصه نمود:

- انسان بر فطرت اولیه که طالب کمال است، سرشت شده است.
 - فطرت اولیه بر اثر اعتیاد به گناه و تبدیل آن به ملکه نفسی، صورت خود را عوض کرده و به صورت جدید تبدیل می‌شود.
 - عذاب جهنم طبق آیات قرآن لحظه به لحظه در حال تغییر و نو شدن است.
 - فطرت تغییر یافته انسان گناهکار با نو شدن عذاب جهنم به صورت همیشگی رنج می‌کشد.
 - گناهی که به صورت ملکه درنیامده و فطرت اولیه انسان را تبدیل نکرده، به صورت حالت‌های بد بر او عارض می‌شود.
 - امور عارضی زوال‌پذیرند و لذا فطرت دارای حالت‌های پلید مادی با عذاب برزخ دوباره به حالت اولیه خود بازمی‌گردد.
- این مبانی نشان‌دهنده عمق تفکر علامه طباطبایی و تلاش او برای تبیین مسئله خلود در عذاب از منظر کلامی و فلسفی است.

تحلیل و بررسی

تحلیل دیدگاه علامه طباطبایی در مورد جاودانگی عذاب، به وضوح نشان‌دهنده عمق و دقت تفکر او در مسائل کلامی و فلسفی است. او با تأکید بر وحی به عنوان منبع اصلی شناخت جزئیات معاد، بر این باور است که نمی‌توان این مسائل را صرفاً با مقدمات عقلی بررسی کرد. این رویکرد نشان‌دهنده پیوند عمیق او با متون دینی و اعتقاد به ضرورت

وحی در درک حقیقت‌های معنوی است. علامه با استناد به آیات قرآن و روایات، به‌صراحت جاودانگی عذاب را تأیید می‌کند و بر این اساس، تغییر نظام آفرینش در آخرت را به‌عنوان دلیلی برای خلود در عذاب مطرح می‌سازد. او همچنین به تأثیر گناهان بر نفس و چگونگی تبدیل آن‌ها به ملکه‌های نفسانی اشاره می‌کند که نشان‌دهنده درک عمیق او از روانشناسی انسانی و تأثیرات اخلاقی اعمال بر سرشت انسان است.

از سوی دیگر، نقدهایی نیز به نظریه او وارد است، به‌ویژه در مورد چگونگی تداوم عذاب و اثرات عاطفی آن بر نفس. برخی منتقدان بر این باورند که او در فرض‌های خود به تناقضاتی دچار می‌شود که نیازمند بررسی‌های بیشتر است. به‌عنوان مثال، در فرضی که علامه مطرح می‌کند، اگر نفس به‌صورت جدیدی درآید، آیا واقعاً می‌تواند از عذاب رنج برد یا خیر؟ این پرسش‌ها به چالش‌های فلسفی و کلامی عمیق‌تری منجر می‌شود که نیازمند تأمل و بحث‌های بیشتر است. به‌طور کلی، دیدگاه علامه طباطبائی به‌عنوان یک نقطه عطف در کلام اسلامی، نه‌تنها به درک بهتر مسئله خلود در عذاب کمک می‌کند، بلکه زمینه‌ساز بحث‌های فکری و فلسفی جدیدی در این حوزه است. این تحلیل به ما کمک می‌کند تا پیچیدگی‌های نظریه‌های کلامی را بهتر درک کنیم و به تأمل در مفاهیم عمیق‌تری از انسانیت، گناه و عذاب بپردازیم.

علامه طباطبائی در تعلیقه خود بر اسفار می‌نویسد که قائلان به عدم خلود در جهنم، هرکدام از دو گزینه‌ای که ملاصدرا برای اثبات عدم جاودانگی در عذاب ارائه کرده، انتخاب کنند، از آن خلود را می‌توان نتیجه گرفت. در این راستا، برخی منتقدان به این نکته اشاره می‌کنند که علامه در فرض اول، حالت جدید را به‌طور عرضی فرض کرده و باید بر حالت اولیه خود باقی بماند تا عذاب را درک کند. همچنین، در فرض دوم، عذاب نوعی و شخصی در اشکال قسر دائم تفاوتی ندارد و این ممکن است به چالش‌های فلسفی منجر شود.

نتیجه‌گیری

تحلیل مبانی کلامی ملاصدرا و علامه طباطبایی در مورد جاودانگی عذاب، نشان‌دهنده تنوع و عمق تفکر فلسفی و کلامی در تاریخ اسلام است. ملاصدرا با تأکید بر غایت ذاتی موجودات و حرکت آن‌ها به سمت کمال، به بررسی عدم جاودانگی عذاب پرداخته و بر این باور است که موانع سر راه این حرکت، عارضی و موقتی هستند. او به تضاد میان عذاب و فطرت انسانی اشاره می‌کند و معتقد است که این تضاد نمی‌تواند دائمی باشد. در مقابل، علامه طباطبایی با تأکید بر وحی و متون دینی، جاودانگی عذاب را به دلایل عقلی و نقلی مستند می‌کند و بر این باور است که فطرت انسانی به دنبال کمال است و این جستجو در نهایت به درک عذاب و پاداش در آخرت منجر می‌شود.

این دو دیدگاه، هر یک به‌نوبه خود، ابعاد مختلفی از مسئله جاودانگی عذاب را مورد بررسی قرار می‌دهند و به ما کمک می‌کنند تا درک عمیق‌تری از رابطه میان فطرت انسانی، اعمال و عواقب آن‌ها داشته باشیم. همچنین، نقدهایی که به این نظریات وارد شده، نشان‌دهنده پیچیدگی‌های فلسفی و کلامی در این حوزه است و نیاز به بررسی‌های بیشتر و تحلیل‌های عمیق‌تر را نمایان می‌سازد. در نهایت، این مباحث نه تنها به غنای کلام اسلامی می‌افزایند، بلکه زمینه‌ساز بحث‌های فکری و فلسفی جدیدی در مورد انسانیت، گناه و عذاب می‌شوند.

یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد:

۱. مبانی کلامی خلود در عذاب: سه مبنای مهم برای اعتقاد به جاودانگی عذاب وجود

دارد:

- پذیرش اصل وجود نفس
- پذیرش جوهر بسیط و مجرد بودن نفس

• جاودانگی و فناپذیری نفس بر اساس این مبانی، آیات و روایات مربوط به خلود به دو دسته تقسیم می‌شوند:

• دسته اول: آیات و روایاتی که به جاودانگی عذاب اشاره دارند.

• دسته دوم: آیات و روایاتی که به جاودانگی عذاب اشاره نمی‌کنند.

۲. تغییر نظر ملاصدرا: ملاصدرا پس از بازنگری در دیدگاه خود درباره جاودانگی عذاب کافران، مبانی کلامی جدیدی را اتخاذ کرده است. همان‌طور که مشاهده شد، مبانی کلامی علامه طباطبائی نیز با مبانی ملاصدرا همخوانی دارد. تنها تفاوتی که به نظر می‌رسد این است که علامه بر تأثیر عذاب برزخ برای بازگشت فطرت به حالت اولیه تأکید می‌کند، درحالی‌که ملاصدرا عذاب را به‌طور کلی شامل می‌شود و تنها به عذاب برزخ محدود نمی‌کند.

۳. تکیه بر وحی نبوی: علامه طباطبائی بر اهمیت وحی نبوی در درک جزئیات معاد تأکید دارد، زیرا او معتقد است که عقل نمی‌تواند به جزئیات معاد دست یابد و بنابراین عقل باید تابع نقل باشد. در مقابل، ملاصدرا در آرای اولیه خود که به عدم جاودانگی عذاب اعتقاد داشت، برای حل تعارض با آیات قرآن، ناچار به تأویل آن‌ها شد و آیات مربوط به خلود را به معنای ماندن طولانی تعبیر کرد؛ اما اگر مسئله جاودانگی عذاب پذیرفته شود، آیات قرآن به قوت خود باقی خواهند ماند و نیازی به تأویل نخواهد بود که این همان رویکردی است که علامه از ابتدا به آن پایبند بوده است.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. آشتیانی، سید جلال‌الدین (۱۳۸۷ ش)، *شرح حال و آرای فلسفی ملاصدرا*، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه.
۳. ابن فارس، ابی الحسن احمد (۱۴۰۴ ق)، *مقاییس اللغة*، تحقیق: عبدالسلام هارون، بی‌جا، مکتب الاعلام الاسلامی،
۴. ایجی، میرسید شریف (۱۳۲۵ ق)، *شرح المواقف*، تصحیح: بدرالدین نعسانی، قم، نشر الشریف الرضی، چاپ اول.
۵. تفتازانی، مسعود بن عمر (۱۴۱۲ ق)، *شرح المقاصد*، تحقیق: عبدالرحمان عمیره، قم، نشر الشرف الرضی، چاپ اول.
۶. حرعاملی، محمد بن حسن (۱۴۱۶ ق)، *وسائل الشیعه*، قم، مؤسسه آل‌البيت (ع)، لایه‌های التراث.
۷. جرجانی، علی بن محمد (بی‌تا)، *التعریفات*، تهران، ناصر خسرو.
۸. جواد آملی، عبدالله (۱۳۸۷ ش)، *تفسیر موضوعی قرآن کریم* (معاد در قرآن) تحقیق زمانی قمشه‌ای، علی، قم، مرکز نشر اسراء.
۹. _____ (۱۳۹۰ ش)، *تفسیر تسنیم*، تحقیق: حسن واعظی محمدی، قم، نشر اسراء، چاپ پنجم همو.
۱۰. حلی، ابو منصور جمال‌الدین، حسن بن یوسف (۱۴۱۶ ق)، *کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد*، تصحیح حسن زاده آملی، حسن، قم، مؤسسه النشر الاسلامی التابعه لجامعه المدرسین بقم.
۱۱. راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسین بن محمد بن مفضل (۱۳۸۸ ش)، *المفردات لالفاظ القرآن*، ترجمه: مصطفی رحیمی نیا، تهران، نشر سبحان، چاپ دوم.
۱۲. شاه نظری، جعفر (۱۳۸۵ ش)، *تحلیل عقلی جاودانگی در دوزخ* (خلود) از منظر ملاصدرا و علامه طباطبایی، فصلنامه علمی پژوهشی انجمن معارف اسلامی، قم، (مقاله).
۱۳. طباطبایی، محمد حسین (۱۳۹۰ ق)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، بیروت، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
۱۴. طریحی، فخرالدین (۱۳۷۵ ش)، *مجمع البحرین*، تهران، مکتبه المرتضویه، چاپ سوم.

۱۵. عیاشی، محمد بن مسعود (۱۳۸۰ ق)، *تفسیر العیاشی*، تحقیق رسولی محلاتی، سیده‌اشم، تهران، المطبعه العلمیه.
۱۶. فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۸ ق)، *العین*، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، الطبعه الاولى.
۱۷. فیض کاشانی، محمد محسن (۱۴۱۸ ق)، *علم الیقین*، تحقیق: محسن بیدار، قم، نشر بیدار، چاپ اول.
۱۸. قاضی عبدالجبار، احمد (۱۴۲۲ ق)، *شرح الاصول الخمسه*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۱۹. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ ق)، *الکافی*، تصحیح غفاری، علی اکبر؛ آخوندی، محمد، تهران، دارالکتب العلمیه.
۲۰. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی (۱۴۰۳ ق)، *بحار الأنوار الجامعة لدرر اخبار الأئمه الأطهار*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۲۱. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۶ ش)، *پیام قرآن*، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ نهم.
۲۲. صدرالدین شیرازی (ملاصدرا)، محمد بن ابراهیم (۱۳۶۱ ش)، *تفسیر القرآن الکریم*، تصحیح: محمد خواجوی، قم، انتشارات بیدار.
۲۳. _____ (۱۹۸۱ م)، *الحکمه المتعالیه فی الاسفار العقلیه الأربعة*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۲۴. _____ (۱۳۸۳ ش)، *شرح اصول الکافی* (صدرا)، تصحیح خواجوی، محمد، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
۲۵. _____ (۱۳۴۶ ش)، *الشواهد الربوبیه*، مشهد، دانشگاه مشهد.
۲۶. _____ (بی تا)، *الشواهد الربوبیه*، با حواشی حکیم سبزواری، تصحیح آشتیانی، سید جلال الدین، ستاد انقلاب فرهنگی.
۲۷. نصیرالدین طوسی، محمد بن محمد (۱۴۰۷ ق)، *تجربیه الاعتقاد*، تحقیق: محمد جواد حسینی جلالی، تهران، مکتب الاعلام الاسلامی، چاپ اول.